

واقع ایران در سال ۱۳۸۹

هم با تلاشی بیشتر در حذف و یا تغییر رشته های علوم انسانی و علوم اجتماعی گام برداشتند تا حدی که وزیر علوم اعلام کرد: «شقاف و واضح می گوییم شما حق ندارید کسی را به دانشگاه جذب کنید که در مسیر عملی التراجم با ولایت فقیه نباشد.... اگر دانشگاهی باشد که صدای اذان ظهر به بهانه آسیب به کلاسها را درس بلند نشود و اگر در دانشگاهی فرهنگ پسیج مردم تمخر قرار گیرد و اگر..... مردم ایران، دانشجویان واساید آن را بابا خاک یکسان میکنند.» سخنان وزیر علوم گویای وضع دانشگاه های کشور و محیط پادگانی آن میباشد. در مدارس هم سیاست همانست که در دانشگاه ها بود. در سال تحصیلی ۸۹-۹۰ یکهزار روحانی به مدارس سراسر ایران اعزام شدند زیرا که دولت اصول گرا برنامه های اجرایی در مدارس را کافی نمیداند. در وزارت آموزش و پرورش برای روحانیون جوان مسئولیت هایی در پایگاه ها و دارالقرآن ها قائل شدند که آنها وارد شدن افسران جنگ نرم در مدارس اعلام نمودند. این روحانیون را برای پیشگیری از آسیب های اجتماعی و ازان جمله آسیب های بر خطوطی چون جنگ نرم به مدارس روانه کردند. واژه سوی دیگر از چهار هزار مدرس تربیت سیاسی برای دور کردن دانش آموزان از فتنه های دشمن به چهار هزار مدرس در سال ۸۹ خبر دادند که اینان مستقیماً زیر نظر سپاه پاسداران انجام وظیفه می کنند.

با تگاهی که به چند واقعه مهم سال ۸۹ در ایران داشتیم و با این سیاست های نادرست حاکمیت بنظر نمیرسد که سرنوشت چندان امید بخشی در انتظار ایران باشد. از آغاز دولت نهم که در بیرون خود های درون حکومتی، جناح اصول گرا بر همه بخش های حکومتی تسسلط یافت دیده میشود که روند آشفته تر شدن اوضاع که از سال ۸۴ سرعت یافته بود هرچه سریعتر به پایان خود نزدیک میشود.

در سال ۸۹ دولت در آمد شگفت آور و بی مانندی به مبلغ حدود ۴۳۰ میلیارد دلار از فروش نفت و گاز بدست آورد باید توجه داشت که در ۳۲ سال گذشته کل درآمد حاصل از فروش نفت و گاز ۸۷۵ میلیارد دلار بود که نزدیک به نیمی از این مبلغ در سال ۸۹ بعلت افزایش قیمت نفت و گاز در بازارهای جهانی به حساب دولت جمهوری اسلامی واریز شده است.

در سال ۸۹ با توجه به گزارش صندوق جهانی پول نرخ رشد اقتصادی ایران نزدیک به صفر بوده است و هیچگونه تناسبی با درآمد های دولت ندارد. با تمام کوششی که دولت در اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها آغاز کرد و اجرای قانون آنرا در دمایه آخر سال ۸۹ عملی نمود ولی چندین بار شدن هزینه مردم در زمینه انرژی، معترضین فراوانی داشت. دولت ابتدا اعتراض ها تصمیم قاطعی گرفته نشد. دولت در مورد این در مورد تهدید هزینه گاز که در برابر خواسته بود برابر قیمت قبلی شده است و عده و عیده ای داد ولی بعداً مسئله در سکوت نگاهداشت شد و نتوانست وعده خود را به مردم اجا درآورد. هنوز اثر افزایش قیمت های حامل های انرژی در سبد خانواده ها مشخص نشده ولی در سال ۹۰ تاثیر آن بر اقتصاد خانواده نمایان میشود و مبالغ پرداختی بعنوان یارانه ها به مردم بنظر نمیرسد و تواند مشکل پیش رو را برای خانواده ها حل کند. بسیاری از صاحب نظران برآنند که در سال ۸۹ اقتصاد ایران زمین گیر شده و نور امیدی برای سال ۹۰ به چشم نمیخورد. سال ارازمانی پایان یافته بیسینیم که اقتصاد ایران در بن بست و در سردرگمی و نابسامانی، حقوق بشر و آزادی های اولیه انسانی پایمال صاجبان قدرت و تحولات گسترده و بی سابقه افریقا و آسیا و جوامع خاورمیانه در کنار جامعه ایران مشهود است. با این نگاه آیا میتوان آینده بهتری برای سال ۹۰ پیش رو داشت؟

در سال ۱۳۸۹، سراسر کشور بویژه شهرهای بزرگ و تهران بشکل کاملاً امنیتی تحت کنترل بودند و نگرانی حاکمیت از اعتراض مردم خشن ترین اشکال امنیتی و نظامی را بر ملت تحمل کرد.

در سال ۱۳۸۹ گفتگو در مردم اثری هسته ای کم رنگ تر بود و مذاکره با گروه کشورهای ۱+۵ به شکست انجامید. در سال ۸۹ سه دوره مذاکره بین ایران و نمایندگان شورای امنیت و آلمان با میانجیگری ترکیه به هیچ نتیجه ای نرسید.

تحريم های شورای امنیت و همچنین تحریم های یک جانبه امریکا و اتحادیه اروپا در سال ۸۹ افزایش یافت.

سالی که گذشت توجه جهانیان به نقض حقوق بشر و یا ایمال شدن حقوق ملت ایران بین از پیش بود. برابر گزارش غفو بین الملل و سازمان حقوق بشر ایران بالاترین آمار سرانه اعدام را در دهه ایام اخیر جهان دارا بوده است. این سازمان به شدت ابراز نگرانی کرد که در سال ۲۰۱۱ اعدام ها افزایش یابد. آقای بان کی مون دبیر کل سازمان ملل متحدب ارائه گزارشی از وضع حقوق بشر در ایران در شهر ژنو اعلام کرد: «ایران سرکوب مخالفان را شدت بخشید ویر اعدام زندانیان سیاسی و نوجوانان مجرم و همچنین قاچاقچیان مواد مخدور افزوده است» بان کی مون بشدت نگرانی خود را از اجرای احکامی چون شلاق و سنگسار و قطع عضو و همچنین دستگیریها و بازداشت های خود سرانه و بد رفتاری با فعالان اپوزیسیون بیان نمود. او از حکومت ایران خواست به نمایندگان و پیشه حقوق بشر اجازه ورود به ایران را بدهد. چون از سال ۲۰۰۵ تاکنون دولت ایران از صدور اجازه ورود برای این نمایندگان و یزده سازمان ملل متعدد خودداری کرده است. در سی ام آذر ماه ۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه مصوب کمیته سوم مجتمع عمومی را درباره ایران تصویب کرد.

در این قطعنامه به شدت از مجازات های خشونت بار در ایران انتقاد شده بود. این قطعنامه که توسط کنادا به کمیته سوم برده شده بود بارای موافق ۸۰ نفر تصویب شد. ۵۷ کشورهای آن رای ممتنع و ۴۴ کشور رای مخالف دادند و تلاش دولت ایران برای این نمایندگان و یزده سازمان از تصویب این قطعنامه بجهانی نرسید. مشابه این قطعنامه در سال ۲۰۰۹ با ۷۴ رای تصویب شده بود.

در سال ۱۳۸۹ سانسور رسانه ها شدت بیشتری یافت که میتوان این سال را سانسور ماضعه نام داد.

در بهمن ماه سال ۸۹ راهپیمایی و تظاهرات اعتراض آمیز مردم انجام گرفت و چندی بعد طرفداران دولت هم در یک تظاهرات دولتی حضور یافتند. معافون فرهنگی وزارت ارشاد رسماً اعلام کرد مطبوعاتی که حتی یک خط در باره راهپیمایی روز ۹ دی (منظور روز تظاهرات طرفداران حاکمیت است) خبری نداده باشند در انتظار حمایت و دریافت یارانه مطبوعات نباشند. در این سخنان آشکارا مشاهده میشود که چگونه با بی پرواژی سانسور رسانه ها اعمال میشود و آنکه در تایید حکومت میتوانند از همه کمک های نقدی و غیرنقدی برخوردارند و دیگران تهدید به قطع کمک های میشوند. در سال ۸۹ تعداد زیادی از مراکز انتشاراتی تعطیل شد. کمیته حمایت از روزنامه نگاران جهان ایران را بزرگترین زندان روزنامه نگاران جهان لقب داد. در گزارش گزارشگران بدون مرز در سال ۲۰۱۰ ایران بیشترین تعداد روزنامه نگاران تبعیدی جهان را بخود اختصاص داده است.

دانشگاه ها در سال ۸۹ بالافزایش تعداد دانشجویان مواجه بود و تعداد دانشجویان سیر صعودی خود را طی میکرد و تعداد دانشجویان به سه میلیون و هشتاد هزار نفر افزایش یافت و میازرات آزادی خواهانه دانشجویان در جوسته و امنیتی دانشگاه ها با توجه به امکانات تدامی یافت و مسئولین دانشگاه و وزارت علوم

شده است.

در سال ۱۳۸۹، سراسر کشور بویژه شهرهای بزرگ و تهران بشکل کاملاً امنیتی تحت کنترل بودند و نگرانی حاکمیت از اعتراض مردم خشن ترین اشکال امنیتی و نظامی را بر ملت تحمل کرد. چندین برابر افزایش یافت و آنچه که بخش اساسی غذای روزانه مردم ایران را تشکیل میدان بود که به بهانه بهبود کیفیت یارانه آن حذف شد و نرخ نان در قیمت بالاتر تثبیت گردید و در مقابل ماهیانه مبلغ چهل و چهار هزار و پانصد تومان به حساب هر فرد ریخته شد که این افزایش ناگهانی قیمت ها را جبران کند. البته چهار هزار و پانصد تومان از این مبلغ به عنوان یارانه نان پرداخت گردید. در سال ۱۳۸۹ برای آماده کردن مردم در برایان شوک ۳۷۷۷ مبلغ به سراسر کشور اعزم شدند تا مانع اعتراض مردم به نبودن سال ۱۳۸۹ سال افزایش اعتراضات مردم به نبودن آزادیها و بی عدالتی ها بود. در کارخانه های سراسر کشور اعتراضات متعددی صورت گرفت که کارگران به مون حقوق و دستمزدهای اعلام شده از سوی دولت و کارفرمایان معتبر سودند. در سال ۱۳۸۹ افزایش دستمزد کارگران ناچیز و مبلغ غیر قابل توجهی بود.

دولت برای آنکه با اعتراض های بیشتر مردم مواجه نشود از انتشار آماراً قتصادی صحیح خود داری کرد و نرخ واقعی تورم و رشد اقتصادی کشور را زیر مردم ایران پنهان نگاهداشت. ولی در پایان سال گزارش صندوق جهانی پول نشان داد که رشد اقتصادی ایران در سالهای میلادی ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ که سال در دو سال ۲۰۱۱ در خروج از یک درصد بالاتر نرفته و در سال ۲۰۱۱ به صفر خواهد رسید که از بیست کشور آفریقائی و خاورمیانه ای پایین تر خواهد بود.

در سال ۸۹ بیکاری به رشد خود ادامه داد و مرکز آمار ایران ۱۴/۶ در صد را برای بیکاری انتشار داد که در محاذل داخلی و خارجی رقمی قابل قبول بنتظر نیامد. چون خانه کارگر که مرکزی دولتی است میزان بیکاری را عدد ۱۷ در صدرا اعلام کرده و آنرا در سرتیفیکات هفتاد هزار دنیمه فروردین ماه نماینده نمود. هفته سوم فروردین در مجلس شورای اسلامی اظهارهای اکنون در میان بیکاری را مخفی میکنند و به نظر او نرخ بیکاری اکنون ۱۵/۶ درصد است این در حالیست که از طرف میزان نرخ بیکاری خیلی بیشتر از این ارقام ذکر میشود. میزان نرخ بیکاری این سال متفاوت است از این ارقام ذکر میشود. در سال ۱۳۸۹ دولت مدعی قدرت مدیریت بر جهان نتوانست بودجه سال ۹۰ را در مجموع مقرر به مجلس ارائه نماید و این کار با ۷۵ روز تاخیر جام گرفت و بودجه سال ۹۰ به شکل ۲ دوازدهم یعنی فروردین واردیهای شد. این دستگاه را با ملاک های سال ۸۹ بدون تغییر در ۲۳ اسفند به تصویب مجلس رساند که دولت میتواند تا سقف ۱۵ میلیارد دلار اجازه دریافت و پرداخت ماده ای از نرخ افزایش ۱۳۹۰ را داشته باشد. و این نشانی دیگر از ناوانی دولت در مدیریت و تنظیم برنامه های کشوری بود.

در سال ۸۹ جنگ های ایران در وضع نابسامان تری قرار گرفت به صورتی که برخی کارشناسان محیط زیست، سال ۸۹ را در مجموع میتوان به محیط زیست ایران نهادن. در این سال بی توجهی به محیط زیست ایران قطع درختان و آتش سوزی جنگ های ایران نام نهادن. در این سال بی توجهی به محیط زیست ایران قطع درختان و آتش سوزی جنگ های خسارات زیادی به در میگردند. در گزارش گزارشگران بدون مرز در سال ۲۰۱۰ ایران بیشترین تعداد روزنامه نگاران تبعیدی جهان را در صد و پانصد میلیارد دلار از طرف این ارقام ذکر میشود. فروردین و اردیبهشت سال ۱۳۹۰ را در این نتیجه داشت. و این نشانی دیگر از ناovanی دولت در مدیریت و تنظیم برنامه های کشوری بود.